

خبرنامه

چم و خم کسب و کار را اینجا یاد بگیرد

اگر در زندگی شخصی یا در موضوعات حقوقی و قضایی با مشکلات ریز و درشت مواجهید و به‌دلیل تعرفه‌های بالای جلسات مشاوره توان استفاده از خدمات مشاوره‌ای را نداشته و سردرگم شده‌اید، نگران نباشید. سلسله جلسه‌های مشاوره رایگان در موضوعات اساسی زندگی از جمله خانواده، ازدواج، حقوقی و قضایی، پزشکی، کسب‌و کار و… از هفته گذشته با حضور کارشناسان و متخصصان در مسجد سیدالشهدا(ع) محله تهرانپارس برگزار می‌شود. این جلسه‌ها روزهای شنبه تا پنجشنبه برگزار می‌شود.

زوج‌های جوان می‌توانند روزهای شنبه در جلسه‌های مشاوره خانواده، زوج درمانی، پیش از ازدواج و روان‌مانگر شرکت کنند. جلسه‌های مشاوره روزهای یکشنبه و ویژه والدین و بزرگ‌ترهاست و محورهای اصلی مشاوره در روزهای دوشنبه پزشکی و طب سنتی است. موضوع مشاوره کارشناسی در روزهای سه‌شنبه کسب‌و کار و کار آفرینی است و جلسه‌های رایگان مشاوره حقوقی و قضایی روزهای چهارشنبه در مسجد سیدالشهدا(ع) اختصاص دارد. روزهای پنجشنبه و آخر هفته هم متخصص چشم پزشکی در این مسجد حضور دارد.



مدال

کسب مقام قهرمانی کشور بعد از ۳ سال مصدومیت

«ناهیات توکلی» تکواندو کار حوزره جنوب غرب تهران پس از ۳ دوری از ششپاچنگ با یک شروع توانایی عنوان قهرمانی رقابت‌های آزاد کشوری بانوان جوان و بزرگسال را از آن خود کرد. این رقابت‌ها با حضور ۷۰۶ تکواندوکار، چندی پیش در خانه تکواندوی فدراسیون تکواندو آغاز شد و تا روز سه‌شنبه هفته جاری ادامه خواهد داشت.

«ناهیات توکلی» تکواندو کور وزن ۷۳ کیلوگرم جنوب غرب که به‌دلیل مصدومیتش ۳سال از مسابقات دور بود در نخستین مرحله این مسابقات گل کاشت و مبارزه پایانی اش «زها پور اسماعیل» قهرمان آسیا و یکی از مدعیان این وزن، را طی ۲ راند مغلوب کرد و مدال طلا را بر گردن او بخت. توکلی از بهار ۱۳۹۱ و در ۹سالگی لباس تکواندو را بر تن کرد و در سال ۱۳۹۵ برای نخستین بار در مسابقات نونهالان کشور در لرستان در میدان رقابت ظاهر شد.

او در رده نونهالان، یک نقره و یک برنز قهرمانی کشور و ۲ نقره مسابقات آزاد کشور و در رده سنی نوجوانان،

طلای مسابقات آزاد کشور سال ۱۳۹۷ در قم و سال ۱۳۹۸ در تهران و ۲ طلای مسابقات کشوری سال ۱۳۹۷ زنجان و سال ۱۳۹۸ بابلسرادر کارنامه دارد.



محلّه شاد

صخره‌نوردی در بوستان پرواز

اگر تاحالا شور و هیجان آدرنالین‌پارک در پرواز و پرش آزاد، تابسواری و بانجی جامپینگ بود، بعد از این علاقه‌مندان به ورزش‌های خاص و هیجانی می‌توانند صخره‌نوردی را هم در این مکان تجربه کنند. تیم آدرنالین‌پارک به سرپرستی «امیر بدری» این روزها به‌دلیل ساخت دیوار صخره‌نوردی در بخش شمالی مجموعه هستند. این دیوار علاوه بر کار بر تفریحی، به‌گونه‌ای طراحی شده تا صخره‌نوردان حرفه‌ای هم بتوانند از آن برای تمرین و حتی برپایی مسابقه استفاده کنند. به‌گفته بدری، این دیوار ۱۴ متر ارتفاع دارد و از کودکان تا بزرگسالان و حرفه‌ای‌ها می‌توانند از دیوار بالا بروند و هیجانی جدید را تجربه کنند و با فافت و فن صخره‌نوردی آشنا شوند. جالب است بدانید که وسایل ورزشی مجموعه آدرنالین‌پارک (جی مکس) و حتی دیوار فعلی ضرب ایمنی ۸ دارند که در نوع خود بسیار ایمن محسوب می‌شود. ضرب ایمنی ۸ یعنی همه تجهیزات آن از یک پیچ تا اسکاکت فلزی دستگاه می‌تواند ۸ برابر ظرفیت وزن را تحمل کند. آدرنالین‌پارک در زمینی به وسعت هزار مترمربع در شمال شرقی بوستان پرواز قرار دارد و هر روز به‌ویژه عصرها میزبان علاقه‌مندان به ورزش‌های هیجانی است.



درتتهر



برای یک لبخند ساده

روایت معلم کم‌بینایی که زندگی‌اش را به آینده کودکان معلول و سندروم داون گره زده است

گزارش

مریم باقرپور

روزنامه‌نگار

هر روز پیش از طلوع آفتاب، از خانه بیرون می‌زند تا خودش را به مدرسه برساند. شاگردان او بچه‌هایی هستند که با معلولیت جسمی و حرکتی و سندروم داون درگیرند، اما حداقل دانش‌توان خوبی به یک چیز خوش است؛ این بچه‌ها نه تنها یک معلم دلسو، بلکه مشاوری دارند که برای احقاق حقوقشان بیش از ۱۰۰ مقاله منتشر کرده است.

عقره‌های ساعت به شش و نیم صبح که می‌رسد، «حسین سسر اوانی» از خانه‌اش در محله صادقیه منطقه ۲ بیرون می‌زند و خودش را به سرویس می‌رساند که به خارج از تهران می‌رود. البته سرویس مزبور این معلم و مشاور کم‌بینا را مستقیم به مدرسه استثنایی در شهرک قدس شهرپارک نمی‌رساند؛ بخشی از مسیر را هم باید با اتوبوس برود تا به مقصدش برسد اما سسر اوانی با گذشت ۱۷ سال از فعالیتش در این مرکز، همچنان پرانرژی، مانند روزهای اول شروع به کارش، این مسیر را می‌پیماید تا در کنار شاگردانش باشد.

یک حادثه، یک تغییر

سراوانی از ناحیه چشم دچار معلولیت است. به همین دلیل در آزمون استعدایی به‌عنوان معلم کودکان معلول انتخاب شد. او می‌گوید: «۱۲ ساله بودم که با بی‌احتیاطی یکی از چشم‌مانم را از دست دادم و

با وجود چند عمل جراحی، بینایی‌ام به حالت اول برگشت. این حادثه مسیر زندگی‌ام را تغییر داد و من را با کودکانی آشنا کرد که مانند فرشته‌اند، از تباطؤ با آنها گرچه سخت، اما لذتبخش است. البته تصور این بود که مسئولیت تدریس ناشنوایان یا نابینایان را برعهده داشته باشم، اما اینطور نشد. از این بابت اصلاً ناراحت نیستم و اکنون با کودکان دارای معلولیت جسمی و حرکتی و سندروم داون اخت شده‌ام.»

آزوی قشنگ آموزگار

عشق این معلم به بچه‌ها باعث شده برنامه‌های مختلفی را برای دانش آموزانش اجرا کند؛ آخرینش برپایی جشنواره غذاست که در آن تعداد زیادی از شاگردان مبتلا به سندروم داون شرکت داشتند و یک روز برنشاط را کنار کارکنان مدرسه تجربه کردند.

او این روزها پیگیر کمک به خانواده‌ای است که آفرزند معلول دارند و پدر خانواده هم مبتلا به هیپاتیت نوع ب است. با حمایت‌های سسر اوانی و مشاوره‌های او یکی از بچه‌ها به انجمن نابینایان معرفی شده تا از خدماتش بهره‌مند شود و حتی در زمینه‌گوبندگی فعالیت کند. سراوانی می‌گوید: «در زمینه مسیرم دور است، اما به عشق همین بچه‌ها و لبخندهایشان این مسیر را می‌روم و خسته هم نخواهم شد. شاید شنیدن این جمله که دانش‌آموزان مدرسه را مانند فرزندان خود دوست دارم شعار گونه باشد، اما واقعاً همینطور است و آرزویم دیدن لبخند روی لبان آنهاست.»

کمی خصوصی‌تر

این معلم از ۱۲سال پیش در خیابان کسایی محله صادقیه سکونت دارد و ظهرها با تعطیلی مدرسه، به سمت خانه حرکت می‌کند تا پس از یک ساعت وسوار شدن به اتوبوس‌های خطوط مختلف پیش‌آفرزندش بر گردد: «این روزها سرویس اداره فقط یک نوبت رفت و یک نوبت هم بر گشت برای پایان روز دارد و بقیه برچیده شده. بنابراین مجبورم مسیر را با سوار شدن به اتوبوس‌های مختلف طی کنم. همسرم شاغل است و

در خانه آفرزند کوچک دارم. از طرفی خواهر همسر که مبتلا به سندروم داون است با مادر زندگی می‌کند. البته خواهر همسر با آموزش‌هایی که دیده، می‌تواند نته‌تها از خودش، بلکه از بچه‌ها هم در نبود من و همسرم مراقبت کند. در واقع او با همه مشاغلش، نعمتی برای من و خانواده‌ام است.»

لذت تأثیر گذار بودن

سراوانی در کنار تدریس، به‌دلیل ارتباطی که با نهاد‌های مختلف به‌ویژه سازمان بهزیستی داشته و دارد، سعی می‌کند امتیازاتی برای دانش‌آموزانش بگیرد. او با ابراز تأسف از اقدامات سنیوسی و نه عمیق و ساختارمند که جستجو و گریخته برای معلولان انجام شده و

نتوانسته مشکلات آنها را به حداقل برساند، می‌گوید: «انجمن‌هایی که با کمک معلولان در سال‌های اخیر شکل گرفته، گاهی در رقابت کاذب، انظور به سمت خانه حرکت می‌کند تا پس از یک ساعت وسوار شدن به اتوبوس‌های خطوط مختلف پیش‌آفرزندش بر گردد: «این روزها سرویس اداره فقط یک نوبت رفت و یک نوبت هم بر گشت برای پایان روز دارد و بقیه برچیده شده. بنابراین مجبورم مسیر را با سوار شدن به اتوبوس‌های مختلف طی کنم. همسرم شاغل است و

در خانه آفرزند کوچک دارم. از طرفی خواهر همسر که مبتلا به سندروم داون است با مادر زندگی می‌کند. البته خواهر همسر با آموزش‌هایی که دیده، می‌تواند نته‌تها از خودش، بلکه از بچه‌ها هم در نبود من و همسرم مراقبت کند. در واقع او با همه مشاغلش، نعمتی برای من و خانواده‌ام است.»

خانه آیت‌الله «سیدعبدالجواد علم‌الهدی» محل مراجعه مردم، به‌ویژه اهالی محله قیام بود

مبارز، مبلغ و مردمدار

گزارش

ابودر چهل امیرانی

روزنامه‌نگار

پدبرایش می‌شد و برایش چاره‌ای نمی‌پندشید. او همیشه تلاش می‌کرد به‌جای تماس با مسئولان محلی، اهالی را به مشارکت در حل مشکلات مردم تشویق کند. این تنها خصلت او نبود، چرا که در کارهای بی‌شماری نام خود را ثبت کرد تا امروز یاد و خاطرش زنده بماند.

به جرأت می‌توان گفت بیت آیت‌الله «سیدعبدالجواد علم‌الهدی» همه‌روزه، حتی جمعه‌ها و در ایام تعطیل، پذیرای مردم بود و از طلاب تا شهروندان گرفتار به آن پناه می‌بردند. این فقیه برجسته و شاگرد میرزا آیت‌الله سیدحسین بروجردی و امام خمینی(ره) با فروتنی جوابگوی مردم بود، اما گاهی هم پیش می‌آمد که با برخی افراد برخورد سختی کند؛ کسانی که خواسته یا ناخواسته برای رعایت حال جسمی آیت‌الله، مانع از ورود مراجعان به دفترشان در حوزه علمیه امام‌القائم(عج) می‌شدند یا این کار را به تأخیر می‌انداختند.

از فرش فروش‌ها تا هیبتی‌ها

این خانه حکایت‌های دیگری هم از توجه آیت‌الله به مردم، مشکلات و مسائل روز جامعه داشت. علم‌الهدی که از سال ۱۳۴۷ در محله قیام و این خانه ساکن شد، محل زندگی‌اش را به پایگاه مردمی برای فعالیت‌های مختلف تبدیل کرد. بازاری‌های تهران و صاحبان اصنافی همچون فرش‌فروش‌ها، طلافروش‌ها، گالش‌فروش‌ها و هیبتی‌ها که از مدت‌ها قبل برای سخنرانی و راهنمایی از او دعوت می‌کردند تا از قم به این محله بیاید، پس از سکونت آیت‌الله در این خانه، مدام خدمتش می‌رسیدند.

خشت اول خیریه‌های نامدار

در همین خانه، حوزره علمیه امام‌القائم(عج) را راه‌اندازی کرد تا طلبه‌ها تا پایه ۱۰ (درس خارج) تحصیل کنند، به‌گونه‌ای که همه‌ساله

هم‌شهری

بچه‌های مسجد

بهاره خسروی؛ روزنامه‌نگار

میزبانی مسجد رضوی از عروس خانم‌ها و آقا دامادها

بزرگان و ریش‌سفیدان محله عباسی در مسجد رضوی، دور هم جمع شده‌اند تا شرایط ازدواج آسان برای جوانانی که دغدغه مسائل مالی را برای شروع زندگی مشترک دارند، فراهم کنند. این کار آنها یک تیر و چند نشان است؛ هم مسجد محله برای انجام فعالیت روزمره زندگی مردم محوریت بیشتری پیدا کند و هم جوانان جذب تعالیم دینی ششوند. در این کار نو و نیکو امام جماعت مسجد رضوی، اعضای هیأت امنای مسجد و حسینیه رضوی و مدیر محله عباسی هم در این کار خیر همراه شده‌اند.



حسین رضانی، عضو هیأت امنای مسجد و حسینیه رضوی در محله عباسی می‌گوید: از زمان نوسازی مسجد، رویکرد برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد

و حسینیه تغییر کرده و سعی شده تا برنامه‌ها علاوه بر به‌روزرسانی، متناسب با نیاز نسل جدید و به‌ویژه جوانان باشد. او این نکته را هم اضافه کرد که پس از بازسازی، ظرفیت مسجد تا هزار نفر افزایش پیدا کرد: «نباید نگاه به مسجد، تقویمی باشد و فقط در محرم و صفر و ماه رمضان راهی مسجد شویم یا فقط مسجد را به ادای فرائض روزانه اختصاص دهیم. با این کار نسل جوان را در مسجد نداریم. باید این فرهنگ میان شهروندان باب شود که مسجد جای شادی و مفرحی برای دورهمی با نشاط هم هست. پس بنا شد که سالن مسجد را رایگان در اختیار زوج‌های جوان قرار دهیم و هزینه شیرینی و ششام هم با خودشان باشد. البته برای زوج‌های کم‌بضاعت، امکانات ویژه‌ای داریم بر برخی هزینه‌ها را خود هیأت امنای تقبل می‌کنند.» به‌گفته رضانی، مسجد و حسینیه رضوی بسا توجه به خانه‌های کوچک و نقلی این محله، میزبان برپایی مهمانی‌هایی مانند جشن تکلیف، ولیمه و بسیاری از این دست مراسم نیز هست.

یک جشن به یادماندنی

میرمهدی حسینی رقیه‌قلیمی نخستین زوج جوانی هستند که مراسم ازدوجشان را در مسجد رضوی محله عباسی برپا کردند. مهدی حسینی تعریف می‌کند: «به پیشنهاد خانواده و خاتم افشار، مدیر محله عباسی، برای کم شدن فشارهای اول زندگی، تصمیم بر برگزاری مراسم عروسی در مسجد رضوی گرفتیم. اول موضوع را با همسرم در میان گذاشتیم؛ موافقت کردند و بعد هم رضایت خانواده آنها را گرفتیم.» قیه قاسمی هم با تأیید صحبت‌های همسرش در ترویج ازدواج آسان می‌گوید: «این حرکت ما یک ایده نو و بکر بود؛ به‌نحوی که بقیه دوستان و آشنایان هم به این کار ترغیب و مشتاق برگزاری مراسم ازدواج شان در مسجد شدند.»

کار خوب

ثویا روزبهانی؛ روزنامه‌نگار

«تعالی راه‌نیکی و مهر» ۱۰ساله شد

خیریه دانشجویان همه فن حریف

سال ۱۳۹۱ تعدادی از دانشجویان ترم اولی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات که ۱۸سال بیشتر نداشتند با هم قرار گذاشتند و با همان پول توجیبی‌های اندک شان اسباب‌بازی بخرند و به دیدار بچه‌های بیمار بروند. دیدار اول کافی بود تا حرفه‌ای شود برای برپایی ماهانه و دائمی این حال و هوای خوش.

این فعالیت دهان‌به‌دهان در دانشگاه‌های دیگر چرخید و هر دفعه دیدار تعداد اعضا بیشتر و بیشتر شد. کم‌کم زرمه‌های رانندگان خیریه دانشجویی «ترنم» در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات پیچید و هر روز دانشجویهای علاقه‌مند بیشتری در این خیریه عضو و با حمایت‌هایشان در مرحله بستری شدن کودکان گرفته تا ترخیص از بیمارستان و مراقبت‌های پس از آن، به‌نوعی یاریگر همونشان شدند. سال ۹۶ این خیریه دانشجویی شکل رسمی ۲۳سال و داشتن کارت پایان خدمت لازم‌ت انتخاب هیأت‌مدیره و مدیرعامل بود. این بار پدران و مادران این بچه‌ها و حتی استادان دانشگاه مسئولیت را گردن گرفتند. حالا جامعه هدف این خیریه هم کودکان زیر ۴ساله است که به بیماری خاص مبتلا هستند.

خیریه «تعالی راه‌نیکی و مهر» که به اختصار «ترنم» نامیده می‌شود، از بررسی‌های اولیه تا بستری شدن در بیمارستان، پرداخت هزینه‌های ترخیص، دارو و اسکان و همچنین مراقبت‌های لازم تا بهبود کامل همراه این کودکان است.

از نخستین‌های ترنم و پدرش هم عضو هیأت‌مدیره این خیریه است. درباره این کودکان می‌گوید: «ترنم ۲ساله مهم داشت؛ یکی کمک به کودکان بیمار و خانواده آنها در شرایط سخت بیماری و دیگری ایجاد فضای با هدف کسب تجارب مختلف برای بچه‌هایی که می‌خواهند وارد جامعه شوند. اجرای موسیقی و نمایش، عروسک‌گردانی، تهیه اسباب‌بازی و نوشت‌افزار و لباس هم بخشی از فعالیت‌های ترنمی‌ها بود.» کلهر ادامه می‌دهد: «با حمایت یاوران ترنم هزینه‌های ترخیص بیمارستان، آزمایش‌های تخصصی و داروهای کودکان نیز فراهم شده؛ هزینه‌هایی که همیشه است و روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند. این بچه‌ها می‌توانند زمانی که از بیمارستان ترخیص می‌شوند همچنان برای معاینه و بررسی در زمان‌های تعیین شده و به‌نوعی تا آخر عمرشان به بیمارستان مراجعه کنند. ۹۵درصد خانواده‌های این کودکان بیمار کاملاً کم‌بضاعت هستند و از شهرستان‌های دور می‌آیند. در همین راستا یکی از مهم‌ترین هدف‌های ما بعد از انجام عمل پیوند متحق می‌شود و آن اسکان این بچه‌ها و خانواده‌هایشان در شهر تهران است.»

